

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «حقوق رقابت»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۲

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «حقوق رقابت»

مؤلف:

مصطفی منصوریان

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	چکیده
۳	درآمد
۵	۱- مفهوم شناسی
۵	۱-۱- مفهوم رقابت
۸	۱-۲- مفهوم حقوق رقابت
۱۰	۲- مفاهیم مشابه حقوق رقابت
۱۰	۱-۲- سیاست رقابتی
۱۱	۲-۲- حقوق مصرف کننده
۱۱	۳- پیشینه حقوق رقابت
۱۲	۴- مبانی حقوق رقابت
۱۳	۴-۱- مبانی حقوق رقابت از منظر مهمترین مکاتب اقتصادی غرب
۱۵	۴-۲- مبانی حقوق رقابت از نظر اسلام
۱۸	۵- تحلیل موضوع در نظام حقوقی ایران
۱۸	۵-۱- قوانین مرتبط با حقوق رقابت
۲۲	۵-۲- اهداف حقوق رقابت در نظام جمهوری اسلامی ایران
۲۴	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۶	منابع و مأخذ

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

چکیده

ضرورت مداخله و نظارت دولت در اقتصاد علی‌رغم وجود مخالفت‌ها، انکارناپذیر می‌باشد؛ هرچند که این مداخلات نباید به حدی برسد که سبب تصدی‌گری در اقتصاد شود. از همین روی دولت‌ها در صددند با ابزارهایی به تنظیم رفتار بنگاه‌ها و نظارت بر بازار بپردازند و حقوق رقابت نیز در زمره این ابزارها قرار دارد.

حقوق رقابت با تبیین مجموعه‌ای از اصول و قواعد ناظر بر رفتار و ارتباط و توافق‌های میان بنگاه‌ها، از انحراف ساختار بازار به انحصار مانع شده و سبب بهبودی عملکرد آن می‌گردد و در واقع به عنوان مهمترین ابزار سیاست رقابتی، به منظور جبران نقائص شکلی و ماهوی مقررات حقوق خصوصی به عنوان عمومی‌ترین و منصفانه‌ترین ابزارهای نظارت بر اقتصاد، پا به این عرصه گذاشته تا سبب افزایش رفاه مصرف‌کننده از طریق افزایش کارایی تخصیص منابع گردد.

کلیدواژگان

حقوق رقابت، رقابت، سیاست رقابتی، نظام مبتنی بر بازار، انحصار.

درآمد

نظام‌های اقتصادی بر اساس سازوکار هماهنگی رفتار اقتصادی مردم به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: نظام مبتنی بر آداب و رسوم (سنت)، نظام مبتنی بر «دستور»^(۱) و نظام مبتنی بر «بازار»^(۲). عملکرد نظام‌هایی که سازوکار هماهنگی آن‌ها مبتنی بر سنت یا دستور باشد، در بسیاری موارد ناکارآمد است. این مسئله در نظام مبتنی بر سنت، به عدم پویایی سازوکارها و ممانعت آن‌ها از پیشرفت‌های فنی و سلب انگیزه شخصی و در نظام‌های مبتنی بر دستور به انعطاف‌ناپذیری سازمان‌های مرکزی در مقابل تغییرات محیط اقتصادی و اجتماعی باز می‌گردد (معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴: ۷) و از همین روی نیز در جهان کنونی، نظام اقتصادی مبتنی بر بازار مورد قبول غالب ملت‌ها قرار گرفته و اقتصاددانان در مزایای چنین نظامی متفق القول می‌باشند. (باقری، ۱۳۸۵: ۳۸) در تأیید این مسئله می‌توان به گرایش قابل توجه

اقتصادهای در حال توسعه به قانون رقابت در چند دهه اخیر اشاره نمود^(۱) که مبین تغییرات اساسی در وضعیت اقتصادی جهان می‌باشد و علت آن را نیز باید در امکان هرچه بیشتر نیل به توسعه اقتصادی- اجتماعی به واسطه اقتصادهای مبتنی بر بازار جستجو نمود. (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵)

بدین ترتیب در بسیاری از نظام‌های حقوقی کنونی، اصول حاکم بر نظام مبتنی بر بازار^(۲) مورد پذیرش قرار گرفته و به تبع آن اجرای رقابت آزاد در بازار به عنوان یک اصل پذیرفته شده است؛ چنانکه به طور تقریبی تمام قدرت‌های اقتصادی جهان برای رشد اقتصادی به چنین بخشی اتکا می‌نمایند و منظور کلی از اجرای اصل مزبور، ایجاد شرایط منصفانه و متعادل برای حضور همه فعالان تجاری در بازار و حذف موانع و رفتارهای انحصاری و تبعیض‌آمیز در آن می‌باشد. (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱)

در عین حال نظام اقتصاد مبتنی بر بازار دارای نارسائی‌هایی است که سبب تخریب رقابت در بازار می‌شود و بنابراین، دخالت دولت در بازار به منظور تنظیم و کنترل آن ضروری است. در همین راستا بسیاری از نظام‌های حقوقی به تدوین ضوابطی مبادرت ورزیده‌اند که ضمن به‌کارگیری قدرت دولت در راستای جلوگیری از منفعت‌طلبی بخش خصوصی، دولت را از اعمال بیش از حد انحصار باز داشته و در نتیجه هدایت جریان رقابت سالم در بازار را تحقق بخشد که چنین مقرراتی امروزه تحت عنوان قوانین «حقوق رقابت» یا ضد انحصار تصویب و نهاده شده‌اند.

بدین‌سان در این نوشتار پس از تبیین مفهوم حقوق رقابت و پیشینه آن، به بررسی مبانی نظری این مهم از منظر نظام حقوقی غرب و اسلام می‌پردازیم و در نهایت نیز حقوق رقابت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران را مدنظر قرار داده و تحلیل و واکاوی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را مطمح نظر قرار می‌دهیم.

۱. حقوق رقابت در حال حاضر در بیش از نیمی از کشورهای قاره آفریقا و در اکثر کشورهای قاره آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و تقریباً در تمامی کشورهای اروپایی در قالب قوانین رقابت به تصویب مجالس قانونگذاری رسیده است. (نوروزی، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

2. Market Economy

۱- مفهوم شناسی

حقوق رقابت درصدد جبران نقایص نظام مبتنی بر بازار پدید آمده و در پی حمایت از رقابت و سالم سازی فضای رقابتی در بازار می باشد. نیل به درک صحیح و مقرون به صواب از این مفهوم، مستلزم شناخت مؤلفه اصلی آن یعنی «رقابت» است. بنابراین در ابتدا به تبیین اصطلاح رقابت پرداخته و در ادامه مفهوم حقوق رقابت را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۱. مفهوم رقابت

«بازار» هر نوع ترتیبی است که در آن خریداران و فروشندگان، اموال و دارائی های انسانی و غیر انسانی خود را مورد مبادله قرار می دهند.^(۱) (دادگر و رحمانی، ۱۳۸۲: ۶۸) «اقتصاد بازار» نیز اقتصادی است که مؤلفه های آن از قبیل تولید، توزیع و مصرف به وسیله سازوکار عرضه و تقاضا پاسخ داده می شود و در آن عنصر «رقابت»^(۲) اساسی ترین نقش را ایفا می کند. به عبارت دیگر، رقابت مبنای عملکرد نظام بازار است^(۳) و به حالتی اطلاق می شود که در آن تعداد زیادی خریدار و فروشنده مستقل برای به دست آوردن و یا فروختن کالاهای مشابه تلاش می کنند.^(۴) (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۲۸)

البته از نظر تئوری اقتصاد، رقابت خود هدف نبوده و بلکه سازوکاری به منظور سازمان دادن به فعالیت های اقتصادی برای نیل به اهداف خاص است (صالحی، ۱۳۷۷:

۱. در بند ۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بازار «به فضایی جغرافیایی یا مجازی که در آن خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات مشابه یا جانشین نزدیک را مبادله می کنند» اطلاق شده است.

2. Competition

۳. در مورد کارکرد «رقابت» تفاسیر گوناگونی ارائه شده است: تفسیر کلاسیک ها، تفسیر نئوکلاسیک ها و ... اما در همه این تفاسیر، رقابت به عنوان مبنای اصلی اقتصاد بازار تلقی شده است. برای توضیح بیشتر رک به: معصومی نیا، علی (۱۳۸۳)، «بازار مطلوب، رقابت کامل»، *اقتصاد اسلامی*، سال چهارم، ۵۵-۸۰.

۴. در بند ۱۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، «رقابت» این طور تعریف شده است: «وضعیتی در بازار که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش کالا یا خدمات فعالیت می کنند، به طوری که هیچ یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را در بازار نداشته باشد».

۱۸۸) و اهداف مزبور نیز معمولاً تلفیقی از کارایی، استمرار رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و نظائر اینها می‌باشند.

البته اعتقاد بر این است که رشد و رفاه صرفاً در گرو تحقق بازار «رقابت کامل»^(۱) است؛ در این بازار، عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان اجزاء کوچکی از بازار هستند که اراده انفرادی آن‌ها تأثیری در قیمت بازار ندارد. در چنین حالتی انبوه عرضه‌کننده در مقابل انبوه تقاضاکننده قرار می‌گیرد و عرضه و تقاضا به شکل سیال به وجود می‌آید و در صورت تحقق آن، تخصیص بهینه منابع صورت پذیرفته و نیازی به مداخله دولت در اقتصاد نمی‌باشد. (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۳) در چنین بازاری هیچ یک از فروشندگان و خریداران، به دلیل تعدد و تکرر منابع خرید و فروش، امکان سوء استفاده از موقعیت خود را ندارد.^(۲) در مقابل بازار رقابت کامل نیز بازار انحصاری کامل وجود دارد که در آن صرفاً یک بنگاه بر بازار حاکم است و برای محصول آن جانشینی وجود ندارد. البته بازارهای واقعی، طیف گسترده‌ای را در فضای مابین دو بازار رقابت کامل و انحصار کامل در برمی‌گیرند و به عبارت بهتر بازارهای رقابت کامل یا انحصار کامل به ندرت نمود واقعی پیدا می‌کنند و در هر بازار نیروهای رقابتی و انحصارگر به طور هم‌زمان فعالیت کرده و بسته به توان و برآیند این نیروها یک بازار به انحصار و بازار دیگر به رقابت، گرایش بیشتری نشان می‌دهد و به طور کلی باید تلاش نمود بازار رقابتی توسعه پیدا نماید. (قدیری اصل، ۱۳۷۹: ۱۵۲)

بنابراین بازارهای دنیای واقعی را می‌توان به بازارهای انحصاری و بازارهای رقابتی تقسیم نمود و بدین‌سان، بازارهای انحصاری شامل بازارهای انحصار کامل،^(۳) بازار بنگاه مسلط^(۴) و بازار انحصار چند جانبه سخت^(۵) می‌باشند؛ در این سه بازار، بنگاه یا بنگاه‌های پیشرو بر بازار مسلط می‌باشند و با اعمال رفتارهای غیر رقابتی، بازار را از موقعیت رقابتی

1. Perfect Competition

۲. برای تحقق بازار رقابت کامل شرایط ذیل را بر شمرده‌اند: آزادی تعیین قیمت محصولات، آزادی ارتباط بین خریداران و فروشندگان، آزادی در تعیین مقدار کالا، همگنی و مشابهت محصولات. برای توضیحات بیشتر ر.ک به: دادگر، یداله و رحمانی، تیمور (۱۳۸۴)، مبانی و اصول علم اقتصاد: کلیاتی از اقتصاد برای همه، ویرایش ۲، قم: بوستان کتاب قم.

3. Pure Monopoly
4. Dominant Firm
5. Tight Oligopoly

به شدت منحرف می‌کنند. از طرف دیگر، در بازارهایی مانند انحصار چند جانبه سست،^(۱) رقابت انحصاری^(۲) و رقابت کامل نیروهای انحصاری تفوق چندانی ندارند و عملکرد و ساختار بازار به شرایط رقابتی نزدیک‌تر است و در واقع، در این بازارها رقابت به شکل مشهودی وجود دارد. در مباحث نظری و به هنگام مقایسه بازارهای رقابتی و انحصاری به این امر اشاره می‌شود که بازارهای رقابتی منابع را به شکل بهینه‌ای تخصیص می‌دهند و میزان تولید و فروش متناسب با نیاز جامعه می‌باشد و در یک جمله، میزان تولید و فروش در بازارهای رقابتی بیشتر از بازارهای انحصاری است. (خداداد کاشی، ۱۳۷۹: ۱۰۴) برای تبیین بهتر بازارهای یادشده، جدول ذیل قابل استفاده است:

جدول شماره یک: انواع بازار بر حسب تمرکز^(۳)

ردیف	نوع بازار	شرایط بازار
۱	رقابت کامل	بیش از ۵۰ رقیب در بازار وجود دارد و هیچ یک سهم قابل توجهی در بازار ندارد.
۲	رقابت انحصاری	تعداد زیادی رقیب وجود دارد و هیچ یک بیش از ده درصد بازار را در اختیار ندارد. (بر خلاف بازار رقابت کامل، تولیدکننده‌ها هر کدام می‌توانند به میزانی قیمت بازار را کنترل کنند)
۳	انحصار چندجانبه سست	چهار بنگاه بزرگ کمتر از ۴۰ درصد بازار را در اختیار دارند و ائتلاف و همکاری بر تعیین قیمت و مقدار غیر ممکن است.
۴	انحصار چندجانبه سخت	چهار بنگاه بزرگ ۶۰ تا ۱۰۰ درصد بازار را در اختیار دارند و به راحتی بر سر تعیین قیمت و مقدار همکاری می‌کنند.
۵	بنگاه مسلط	یک بنگاه ۵۰ تا ۱۰۰ درصد سهم بازار را در اختیار دارد و رقیب نزدیکی ندارد.
۶	انحصار کامل	یک بنگاه ۱۰۰ درصد بازار را در اختیار دارد.

(Chessler and Maryland, 1996: 5)

1. Loose Oligopoly

2. Monopolistic Competition

۳. «تمرکز بازار» عبارت است از چگونگی توزیع بازار بین بنگاه‌های مختلف و یا به عبارت دیگر، تمرکز بازار دلالت بر آن دارد که چه میزان از کل تولیدات بازار یک محصول معین در اختیار تعداد محدودی از بنگاه‌های بزرگ می‌باشد. (نهاوندیان، ۱۳۸۰: ۳) در واقع، یکی از راه‌های اندازه‌گیری میزان رقابت و انحصار، اندازه‌گیری تمرکز بازار می‌باشد و هرچه اندازه شاخص تمرکز کمتر باشد، بازار رقابتی‌تر و هرچه تمرکز بیشتر باشد به انحصار نزدیک‌تر است.

۲-۱. مفهوم حقوق رقابت

اصل مسلّم آنکه تعامل آزاد عوامل بازار همواره نتیجه مطلوب را در تخصیص کارآمد و یا عادلانه منابع به بار نمی آورد؛ در واقع، اقتصاد بازار قاصر از آن است که به خودی خود انحصار، نابرابری اطلاعات و عوارض جانبی ناشی از فعالیت های اقتصاد بازار را چاره ساز باشد و از همین روی نیز در دنیای واقعی نمی توان نظامی اقتصادی را یافت که سازوکار هماهنگی در آن به طور کامل مبتنی بر بازار باشد. دلیل این امر از یک سو وجود برخی اهداف و ارزش های حاکم در جوامع و از سوی دیگر نارسائی های این سازوکار است و بر این اساس، گرایش فعلی جهان به سمت نظام هایی است که در آن ها هم «بازار» و هم «دستور» ایفای نقش می کنند. (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۷-۸)

بنابراین در اغلب نظام های اقتصادی کنونی، تخصیص منابع صرفاً بر اساس ترجیحات مصرف کنندگان و تولیدکنندگان صورت نمی گیرد، بلکه دولت ها نیز از طریق دخالت های مستقیم و غیر مستقیم بر الگوی تخصیص منابع تاثیر می گذارند.

اقتصاددانان طرفدار نظام بازار، وجود پاره ای از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را برای عملکرد مطلوب بازار مفروض دانسته اند و بر همین اساس است که هرگاه نهادهای مزبور به هر دلیل کارآیی خود را از دست بدهند، حالتی به وجود می آید که از آن ذیل عنوان «شکست بازار»^(۱) یا «نقصی های بازار» یاد می شود. (رشوند بوکانی، ۱۳۹۰: ۸۴)

تجزیه و تحلیل اقتصادی حقوق از لحاظ هنجاری^(۲) نیز مبتنی بر مفهوم «عدم کارآیی بازار» می باشد؛ در واقع، در صورت ناتوانی بازار و عدم امکان معامله بین افراد به دلیل افزایش هزینه های معامله، کارآیی اجتماعی نیز به دست نمی آید و به همین دلیل و برای رسیدن به مطلوبیت و کارآیی اجتماعی دخالت حقوق ضروری به نظر می رسد. (بادینی، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

1. Market Failure

شکست بازار را می توان از سه جنبه بخش عمومی، اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه بررسی کرد. شکست بازار از دیدگاه کلان، به ناتوانی در اشتغال کامل منابع مربوط می شود و از دیدگاه اقتصاد توسعه، شکست بازار به مواردی چون ناتوانی بازار در بهبود توزیع درآمد بر می گردد. در این نوشتار شکست بازار از دیدگاه اقتصادی خرد یا اقتصاد بخش عمومی در حداکثر کردن رفاه اجتماعی مد نظر است.

۲. در اقتصاد هنجاری که اقتصاد دستوری (Normative Economics) یا اقتصاد رفاه (Welfare Economics) نیز نامیده می شود، «از آنچه که باید باشد» بحث می شود. به عنوان مثال، در این نوع نگرش به اقتصاد، نتیجه گیری ها به صورت ذیل می باشد که «برای کاهش قیمت کالایی خاص دولت باید دخالت کند و یا یارانه بدهد» یا «برای افزایش کارآیی، صنعت باید متمرکز باشد». یا... در این نوع اقتصاد موقعیت هایی که در آن کارآیی مورد انتظار به دست نمی آید، دولت دخالت نموده و راه حل های اصلاحی خود را تجویز می نماید.

جدول شماره دو: موارد شکست بازار و اهم دلایل آن

ردیف	نوع شکست	اهم دلایل
۱	شکست در تخصیص منابع ^(۱)	وجود آثار خارجی وجود انحصار طبیعی فقدان اطلاعات دقیق در مورد محصولات، قیمت‌ها و ...
۲	شکست در اشتغال منابع ^(۲)	بدون کار ماندن عده زیادی از نیروی کار
۳	شکست در اهداف اجتماعی ^(۳)	پدیداری نمودهای فقر و نابرابری در آمدی با وجود کارآیی در تخصیص منابع

(حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۳۱؛ با تغییر)

در این رابطه، «حقوق رقابت»^(۴) یکی از ساحت‌های مهم و پرنفوذ حقوق عمومی اقتصادی^(۵) است که قواعد آن دارای رویکردی حمایتی نسبت به اقتصاد آزاد (و نه در مقابل آن) می‌باشد. (باقری و فلاح‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۱) در واقع، از حقوق رقابت به عنوان یکی از ضروریات و عوامل مؤثر در توفیق نظام‌های اقتصاد بازار آزاد یاد می‌شود و در صورتی که میان فعالان عرصه تولید و توزیع، رقابت سالم وجود داشته باشد، کارآیی اقتصادی به بار آمده و رفاه عمومی افزایش می‌یابد. (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) به عبارت دیگر، تمام نتایج مثبت مورد انتظار از جمله کارآیی، تخصیص بهینه منابع و عدالت اجتماعی در گرو عملکرد رقابتی بازارهاست.

حقوق رقابت به موازات تلاش برای خصوصی سازی و محدود کردن قدرت دولت در تعرض به آزادی‌های عمومی و حقوق بنیادین توسط ارائه‌کنندگان کالا و خدمات تلاش دارد تا از شکل‌گیری حلقه‌های «قدرت بازاری یا انحصاری»^(۶) در بازار اعم از بازار کالا یا خدمات که از قید دخالت دولت رسته‌اند، جلوگیری کند و در یک تعریف، حقوق رقابت مجموعه‌ای از اصول و قواعد ناظر بر رفتار و ارتباط و

1. Resource Allocation
2. Factor Employment
3. Social Goals
4. Competition Law

۵. حقوق عمومی اقتصادی نوعی نظارت است که با تهدید به اعمال ضمانت‌های اجرایی توسط قدرت عمومی اجرا می‌شود و در صورت عدم رعایت آن‌ها مجازات‌هایی را در پی خواهد داشت. دولت‌ها سعی می‌کنند با استفاده از این ابراز ضمن اصلاح بازار، رفتارهای افراد و کنش‌گران اقتصادی را جهت داده، تغییر دهند و یا محدود نمایند.

۶. قدرت بازاری عبارت از توانایی یک یا گروهی از مشارکت‌کنندگان در بازار در تعیین قیمت، مقدار و ماهیت محصول است. منشا ایجاد قدرت بازاری ممکن است در داخل بازار یا خارج از آن باشد، ولی اثرات آن در داخل بازار مشاهده خواهد شد.

توافق‌های میان بنگاه‌ها و بازار است که مانع انحراف ساختار بازار به سمت انحصار شده و سبب بهبود عملکرد بازار می‌گردد تا در نتیجه منجر به تخصیص کارآیی منابع و حداکثر نمودن رفاه اجتماعی گردد. (Hoekman and Holmes, 1999: 2)

۲- مفاهیم مشابه حقوق رقابت

هرچند حقوق رقابت گستره وسیعی از بخش‌های اقتصادی را تحت پوشش قرار می‌دهد، اما مفاهیم مشابه دیگری نیز وجود دارند که نباید آنها را با حقوق رقابت یکسان دانست. «سیاست رقابتی» و «حقوق مصرف‌کننده» از جمله مفاهیم و حوزه‌هایی هستند که ارتباط زیادی با حقوق رقابت دارند و گاه نیز با آن خلط می‌شوند. در ذیل به تبیین این دو مفهوم پرداخته می‌شود:

۱-۲. سیاست رقابتی

حقوق رقابت مهمترین ابزار سیاست رقابتی^(۱) است؛ توضیح آنکه سیاست رقابتی در مفهوم موسّع خود، شامل تمامی سیاست‌های مرتبط با رقابت در بازار از جمله سیاست تجاری، سیاست تنظیم‌کننده و سیاست‌های اتخاذشده توسط دولت برای اصلاح سیاست‌های ضد رقابتی شرکت‌های خصوصی یا عمومی می‌باشد (خداداد کاشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۶: ۴) و در مفهوم مضیق، جهت پوشش‌دادن سیاست‌ها و قوانین حاکم بر رفتار ضد رقابتی شرکت‌ها استفاده شده است. (میرجلیلی، ۱۳۸۳: ۷) سیاست‌های واردات و صادرات، رفع موانع تجاری از قبیل تعرفه‌ها، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، مقررات‌زدایی، حذف رایانه‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز با بنگاه‌های خارجی و مبارزه با رقابت غیرمنصفانه از جمله این سیاست‌ها هستند. بنابراین سیاست رقابتی مفهومی وسیع‌تر از حقوق رقابت دارد، چرا که سیاست رقابتی دارای اجزایی است و یکی از آن‌ها حقوق رقابت است. تمایز دیگر سیاست رقابتی و حقوق رقابت نیز آن است که سیاست رقابتی ناظر بر رفتار هم نهادهای دولتی است - اعم از آنکه ماهیت عمل آنها حاکمیتی باشد یا تصدی‌گری - و هم بنگاه‌های خصوصی و بر رفتارهای هر دو اعمال محدودیت می‌کند. این در حالی است که حقوق رقابت تنها رفتار بنگاه‌های خصوصی و اعمال تصدی بنگاه‌های دولتی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۹)

۲-۲. حقوق مصرف کننده

حقوق مصرف کننده از نیمه دوم قرن بیستم میلادی با تحریکات دستگاه‌ها و انجمن‌های حمایت از مصرف کننده پدیدار شد و مسئله حائز اهمیت و اولویت در آن، روابط تولیدکنندگان و مصرف کنندگان است و از همین روی نیز، این شاخه از حقوق به تنظیم روابط میان مصرف کنندگان و عرضه کنندگان کالاها و خدمات می‌پردازد. (رشوندبوکانی، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

در حقوق مصرف کننده، حق به دست آوردن کالا و خدمات سالم و بی‌عیب، حق ایمنی، حق برخورداری از اطلاعات کامل و انتخاب و حق برخورداری از حمایت دولت جزء حقوق اساسی مصرف کنندگان مورد حمایت واقع می‌شوند؛ چنانکه چنین مواردی را می‌توان در مواد ۲ و ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی نیز یافت. حال آنکه هدف محوری حقوق رقابت، حمایت از فرآیند رقابتی و جلوگیری از پدیداری انحصار است.

علاوه بر این در حقوق رقابت، رعایت انصاف میان طرف‌های تجاری و منافع مصرف کنندگان مدنظر است؛ به عبارت دیگر، اشخاص تحت شمول و مورد حمایت در حقوق رقابت عبارتند از: مصرف کنندگان نهایی، خرده‌فروشان، عمده‌فروشان و فروشندگان واسطه. اما در حقوق مصرف کننده معمولاً رعایت انصاف میان تاجر و مصرف کننده نهایی مطمح نظر قرار می‌گیرد و هدف اصلی، تقویت و حمایت از مصرف کننده است. (رشوندبوکانی، ۱۳۹۰: ۲۲۶)

۳- پیشینه حقوق رقابت

اولین مقررات راجع به ممنوعیت انحصارات و رویه‌های ضد رقابتی مربوط به اواخر دوره امپراطوری روم است که تباری و سازش برای قیمت گذاری را ممنوع اعلام کرده بود. (علاء الدینی، ۱۳۹۱: ۹۵) در قرون اخیر، نخستین بار در ایالات متحده آمریکا با اقدامات ضد رقابتی مخالفت شد و این قبیل مقررات از این کشور گسترش یافت؛ یعنی در اواخر قرن نوزدهم، ظهور و گسترش صنایع جدیدی نظیر راه آهن، حمل و نقل دریایی، صنایع نفتی و فولادی و... تحولاتی عظیم در ساختار نهادهای اقتصادی ایالات متحده به وجود آورد که نظم پیشرفته حقوق خصوصی قادر به حل معضلات و نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از آن نبود و بدین ترتیب دولت با استفاده از ابزارهای حقوق عمومی درصدد کنترل اوضاع برآمد. بدین سان، در نخستین گام در سال ۱۸۹۰ میلادی «قانون ضد انحصار

شرمن»^(۱) و در ادامه قوانین بسیار دیگری از جمله قانون «کلاتون»^(۲) و «رابینسون پتمن»^(۳) برای مقابله با انحصار به تصویب رسیدند و مجموعه حقوق رقابت ایالات متحده آمریکا را شکل دادند.^(۴) پس از ایالات متحده آمریکا، کشور ژاپن به عنوان دومین کشور جهان در آوریل سال ۱۹۴۷ میلادی اولین قانون ضد انحصار^(۵) را تحت همین عنوان تصویب نمود.^(۶) در سال ۱۹۵۷ میلادی نیز، قوانین ضد انحصار در اتحادیه اروپا در قالب عهدنامه رم به تصویب امضاء کنندگان آن پیمان رسید^(۷) و متعاقب آن در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا قوانین حمایت از رقابت آزاد به تصویب رسید که در این میان، کشور آلمان با تصویب قانون مقابله با موانع رقابت در سال ۱۹۵۸ میلادی پیشتاز کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده است.^(۸) تحول و توسعه حقوق رقابت در سطح جهان از سال ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده است و امروزه در بیش از نیمی از کشورهای قاره آفریقا، اکثر کشورهای قاره آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و تقریباً در تمامی کشورهای اروپایی حقوق رقابت در قالب قوانین رقابت به تصویب مجالس قانونگذاری رسیده است. (نوروزی، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

۴- مبانی حقوق رقابت

حقوق رقابت ریشه در مباحث اقتصادی دارد و هر نظام اقتصادی با توجه به مبانی فکری و ارزشی خود به این مسئله پرداخته است. در واقع، مهمترین منطقی که در این خصوص قابل بیان است آنکه، کارایی اقتصادی و به حداکثر رساندن رفاه جامعه در

1. Sherman Antitrust Act

2. Clayton Act 1914

3. Robinson- Patman Act 1936

4. For more information see: Rudolph, J. R. Peritz, (1996), **Competition Policy in America: History, Rhetoric, Law**, New York: Oxford University Press.

5. Antimonopoly Act

6. For more information see: Torihiki Iinkai, Kōsei (1995), **The Antimonopoly Act Guidelines Concerning the Activities of Trade Associations**, Fair Trade Commission

۷. این پیمان در ۲۵ مارس سال ۱۹۵۷ میلادی به امضاء کشورهای فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ رسید و به عنوان عهدنامه «تأسیس جامعه اقتصادی اروپا» شناخته می‌شود. مواد ۸۵ و ۸۶ این معاهده به موضوع لغو انحصارها و حمایت از رقابت آزاد در عرصه اقتصاد و بازرگانی اختصاص یافته بود. در سال ۱۹۹۳ میلادی به موجب پیمان ماستریخت، عنوان معاهده مذکور به معاهده «تأسیس اتحادیه اروپایی» تغییر نام یافت و شماره مواد ۸۵ و ۸۶ آن به ترتیب به مواد ۸۱ و ۸۲ تغییر داده شد.

8. For more information see: Monti, Giorgio (2007), **EC Competition Law**, Cambridge university press, UK.

گرو ایجاد سازوکار بازار آزاد، و کارکرد مطلوب بازار آزاد نیز در گرو قوانین و به عبارت بهتر، سیاست رقابتی صحیح است. بر همین اساس نیز، ضروری است که اولاً سازوکار رقابت آزاد در بازار و مقررات‌زدایی از آن ایجاد گردد و ثانیاً محدودیت‌ها و قوانین لازم برای پیشگیری و تنبیه بنگاه‌هایی که درصدد ایجاد اختلال در این سازوکار و سوء استفاده از این فضای آزاد هستند وضع شود. بدین‌سان، از ابتدای قرن بیستم به جای جدال بر ضرورت و مطلوبیت وضع قوانین رقابت یا عدم آنها، هدف، قلمرو و حدود مداخله دولت محور مباحثات مکاتب اقتصادی قرار گرفت. به عبارت دیگر، مکاتب اقتصادی که در نظام اقتصادی مطلوب خود، اصل را بر بازار آزاد قرار دادند، به منظور تضمین کارکرد نظام خود در اهمیت مقررات رقابت و ضدانحصار-هرچند با استدلالات مختلف-اتفاق نظر دارند. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۷۸)

بنابراین، ضرورت حفظ و ترویج رقابت در مکاتب اقتصادی مختلف مورد بحث قرار گرفته و هر یک از منظری به آن پرداخته‌اند. بدین‌ترتیب، با توجه به اینکه خاستگاه این نظریه‌پردازی به نظام حقوقی غرب مربوط می‌شود، در گام نخست این مهم را به اختصار از منظر سه مکتب مهم اقتصادی کلاسیک، نئوکلاسیک و کینز بررسی می‌کنیم و در گام بعد نیز به تبیین نظر اسلام در این خصوص می‌پردازیم.

۴-۱. مبانی حقوق رقابت از منظر مهمترین مکاتب اقتصادی غرب

به طور کلی، مبانی و موجبات شکل‌گیری حقوق رقابت و توسعه آن در غرب را می‌توان در گزاره‌های ذیل جستجو نمود که هر یک به گونه‌ای در باورهای مکاتب اقتصادی این عرصه ظهور و بروز یافته است. از جمله مهمترین این پایه‌ها و ارکان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: اعتقاد به بازار آزاد و عدم لزوم دخالت حداکثری دولت به منظور ایجاد رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی، اعتقاد به تحقق کارآیی اقتصادی از طریق رقابت و اعتقاد به دخالت کلان دولت به منظور تحقق عدالت اجتماعی. در ادامه به تبیین این گزاره‌ها می‌پردازیم:

یکی از مهمترین مکاتب اقتصادی در این رابطه، مکتب کلاسیک است. اقتصاددانان کلاسیک^(۱) از نظم بازار و به عبارتی دیگر بازار رقابتی، به عنوان بهترین سازوکار

۱. به اندیشه اقتصادی اقتصاددانان از اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کشورهای سرمایه

هماهنگی و تخصیص منابع یاد کرده‌اند و به عقیده ایشان، در این نظام تحرک منابع و عوامل تولید بسیار بالاست، مشارکت‌کنندگان از اطلاع کافی برخوردارند، محصول بنگاه‌های مختلف همگن می‌باشد و رقابت به عنوان تخصیص‌دهنده منابع، اثری مهم بر جای می‌گذارد و این اثر است که موجب نزدیکی قیمت‌های بازار به قیمت‌های طبیعی یعنی همان قیمت‌های رقابتی می‌شود. (خداداد کاشی، ۱۳۸۸: ۲۸)

به عقیده این اقتصاددانان، رفتار اقتصادی افراد تابع نفع شخصی آنهاست و اگر افراد بدون دخالت دولت در اقتصاد، اقدام به کسب نفع شخصی خود نمایند، اقتصاد به تعادل می‌رسد. در واقع، اقتصاددانان کلاسیک معتقد به دست نامرئی^(۱) بودند که اقتصاد را خود به خود به تعادل می‌رساند. این دست نامرئی همان تعقیب نفع شخصی است که برای مصرف‌کننده، رسیدن به حداکثر ارضاء خواست‌ها و برای تولیدکننده، دستیابی به حداکثر سود ممکن می‌باشد. کلاسیک‌ها معتقد بودند که صرفاً سازوکار «بازار آزاد» یعنی عملکرد نیروهای مربوط به عرضه و تقاضا و برخورد این دو با هم است که سیاست‌های تثبیت‌کننده اقتصادی یعنی عوامل جلوگیری‌کننده از بیکاری و تورم را به وجود می‌آورد. در واقع ایشان نظام مطلوب را بازار آزاد و بدون محدودیت تلقی کردند که به دلیل رقابت اعضاء با یکدیگر، نظامی خودکنترل است و هیچ فردی در آن نمی‌تواند منافع دیگران را در بلندمدت مورد سوء استفاده قرار دهد. (قدیری اصل، ۱۳۷۶: ۷۵) این مکتب بر این اعتقاد بود که بازار آزاد، یگانه راه رشد اقتصادی است و در نتیجه، برای حفظ رقابت نیز باوری به وضع قوانین - که از مظاهر دخالت دولت به شمار می‌رفت - نداشت و بدین ترتیب، نقش بسیار مهمی را در توسعه و تبیین مفهوم رقابت ایفا نمود. این عقاید به شدت در توسعه حقوق رقابت مؤثر واقع شدند و در اوایل قرن ۱۹، محدودیت‌های دولتی به شکل قابل توجهی کاهش یافت، قوانین بسیاری وضع شد که آزادی تجاری را تضمین نمود و در نتیجه، تلاش‌های اقتصادی بدون هیچ فشار و رابطه دولتی صورت پذیرفت. (وکیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۶)



داری غربی «اقتصاد کلاسیک» می‌گویند که پیشگام ایشان «آدام اسمیت» (Adam Smith) است و از وی به عنوان پایه‌گذار اقتصاد مدرن و اقتصاد کلاسیک یاد می‌شود.

1. Invisible Hand

مکتب نئوکلاسیک نیز یکی دیگر از مکاتب اقتصادی مهم در این حوزه است که با پایه قراردادن نظریات کلاسیک‌ها، اقتصاد را از سطح کلان به سطح خرد کشید و رفتار فرد و بنگاه تولیدی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در عین حال، این مکتب نیز، رقابت را مهمترین شیوه ایجاد کارآیی اقتصادی معرفی نمود و بهترین دولت را دولت حداقلی معرفی کردند. (دادگر، ۱۳۸۳: ۳۵۶)

اما انتقادات وارد بر مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک موجب شد تا اقتصاد کینزی به منصفه ظهور برسد.^(۱) این مکتب، اصل بازار آزاد و مالکیت خصوصی را پذیرفت، ولی برخلاف دو مکتب قبلی، نقش بیشتری را برای مداخله دولت در ایجاد عدالت اجتماعی از جمله در تمهید نظام اجتماعی، آموزش رایگان، ترویج بهداشت عمومی، وضع قوانین کار، تدوین مقررات برای حمایت از مصرف‌کننده، تأمین اشتغال و... در نظر گرفت. این مکتب در حال حاضر، به عنوان دیدگاه اقتصادی غالب دولت‌های غربی به شمار می‌رود. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۱۰۱)

۲-۴. مبانی حقوق رقابت از نظر اسلام

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای هماهنگ از عناصر و نهادهایی است که از قابلیت تحقق عینی در جامعه برخوردار بوده و اسلام آن را بر اساس مبانی خاص و به منظور دستیابی جامعه به اهداف معینی طراحی کرده است. (میرمعزی، ۱۳۷۷: ۲۰۰) شایان توجه آنکه نظریه‌های حاکم بر نظام‌های اقتصادی موجود، محصول اندیشه متفکران و اقتصاددانان است که بسیاری از آنها در طول زمان پس از نقد و تطور تکامل یافته و به صورت نظریه پذیرفته شده‌اند، اما نظریه‌هایی که نظام اقتصاد اسلام بر آن استوار است ریشه در قرآن کریم و آموزه‌های پیامبر اسلام ﷺ دارد و بر خلاف نظام‌های اقتصادی دیگر که «تکوین» یافته و ابداع شده‌اند، ساختمان نظری اقتصاد اسلامی پیش‌تر طرح‌ریزی شده و صرفاً نیاز به «اکتشاف» طرح حقیقی آن نظام وجود دارد. (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲: ۲۶)

به عبارت دیگر، نظام اقتصادی اسلام به طور مشخص در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات ارائه نشده و بلکه آنچه در این منابع قابل دستیابی است مجموعه‌ای از احکام، حقوق و مفاهیم می‌باشد که با دقت نظر در آنها و یافتن رابطه تنگاتنگی که بین

۱. این مکتب از نظریات «جان مینارد کینز» (John Maynard Keynes) نشأت گرفته است.

آنها وجود دارد، می‌توان اصول کلی و نظریات اساسی مربوط به نظام اقتصادی اسلام را کشف کرد و از همین روی و بر مبنای «روش کشف اصول از طریق بررسی احکام و قوانین» اصول نظام اقتصاد اسلام قابل استنباط می‌باشند. (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲: ۲۷)

قرآن کریم تصریح می‌دارد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا فرمان ببرید و از رسول و صاحبان امر که از شما هستند اطاعت کنید.» (نساء: ۵۹) و بدین ترتیب وجوب اطاعت مردم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از دو ناحیه مقرر داشته است: یک ناحیه، احکامی است که ایشان به وسیله وحی بیان می‌کند و ناحیه دیگر احکامی است که خود ایشان صادر نموده و منظور، احکام و آرای است که آن حضرت به مقتضای بر عهده داشتن زمام حکومت و قضاء و ولایتی که بر مردم داشته‌اند، صادر می‌کردند و آنچه اولی الامر نیز وظیفه دارند این است که رأی خود را در مواردی که ولایتشان در آن نافذ است ارائه دهند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۱۷) از همین روی می‌توان اظهار داشت که اصل ورود حاکم دولت اسلامی در اعمال ولایت و حکومت و از جمله فعالیت‌های اقتصادی امری مسلم می‌باشد که برای اثبات این مدعا می‌توان به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره نمود: (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲: ۳۱۶-۳۱۹)

به عنوان نمونه، نهی از در اختیار قرار ندادن آب مازاد بر احتیاج نخلستان و گیاه مازاد بر احتیاج دام که مسئله‌ای مباح می‌باشد، امری است که با توجه به نیاز شدید جامعه مدینه در آن روزگار به رشد محصولات کشاورزی و دامی مورد نهی ولی امر قرار گرفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۹۳-۲۹۴) مثال دیگر نهی از داد و ستد میوه نرسیده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام ولی امر و برای جلوگیری از مفاسد و اختلافات جمعی آن را نهی نمود.^(۱) (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸: ۲۱۰)

در خصوص قلمرو اختیارات حاکم و دولت اسلامی نیز باید اظهار داشت هر امری که به مصلحت جامعه باشد (و تحقق آن بدون ولایت دولت به صورت نظارت یا ارشاد ممکن نباشد)، امام علیه السلام و یا ولی مسلمین در آن امر ولایت دارند.^(۲) (موسوی

۱. «فَلَمَّا رَأَوْهُمُ لَا يَدْعُونَ الْخُصُومَةَ نَهَاهُمْ عَنْ ذَلِكَ الْبَيْعِ حَتَّى تَبْلُغَ الثَّمَرَةُ وَلَمْ يَحْرُمُهُمْ وَلَكِنْ فَعَلَ ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ خُصُومَتِهِمْ...» و چون دید نمی‌توانند اختلافشان را کنار بگذارند، پیغمبر از انجام چنین معاملاتی قبل از رسیدن میوه نهی کرد ولی آن را تحریم نفرمود، بلکه این امر را به علت خصومت آنها صادر نمود.

۲. «للامام عليه السلام و والي المسلمين ان يعمل ما هو صلاح للمسلمين من تثبيت سعر او صنعة او حصر تجارة او غيرها مما هو دخیل فی النظام و صلاح للجماعة: از اختیارات امام علیه السلام و ولی مسلمین است

الخمينی، ۱۴۲۶ق: ۹۹۲) به عبارت دیگر، همه اموری که متعلق به جامعه مسلمانان به عنوان جامعه است، به عهده حاکم مسلمانان می‌باشد؛ اموری نظیر گردآوری اموال عمومی و مالیات‌ها و حراست از ثروت‌های عمومی (انفال) و ذخائر و اموال ملی و مصرف آن در جایگاه‌های مورد نیاز که متعلق به جامعه به عنوان جامعه است و مربوط به شخص و فرد خاصی نیست. (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۶۴)

نظام حقوقی اسلام ضمن آنکه به اراده و تراضی معامله‌کنندگان احترام می‌گذارد، برای آنکه افزون‌طلبی‌های طرف‌های معامله با ارتکاب اعمال فریب‌کارانه از حد اعتدال و عرف تجاری خارج نگردد و ستم و زیان ناروا به طرف یا طرف‌های دیگر معامله وارد نشود و در نتیجه اقتصاد جامعه دچار تزلزل و آشفتگی نشود، برخی اصول و قواعد را وضع کرده تا عدالت رعایت شود و حقوق خریداران و فروشندگان، محترم شمرده شود. اصول و قواعدی همچون قاعده لاضرر، اصل قسط (عمل بر مبنای عدالت)، اصل عدم تدلیس (عدم فریبکاری در اوصاف متعلق عقد)، اصل عدم غبن (عدم معامله با قیمتی افزون‌تر از ارزش اقتصادی آن معامله)، اصل عدم احتکار (عدم ذخیره یا امتناع از فروش کالا در بازار)، اصل عدم اکل مال به باطل و... از جمله این موارد می‌باشند. بررسی مصادیق قابل تطبیق با حقوق رقابت در اسلام بیان‌گر آن است که موضع اسلام در مقابل حقوق رقابت، رد یا تأیید کامل نیست در واقع، برخی موارد که احکام و ضوابط حقوق رقابت در راستای تحقق اهدافی است که مورد پذیرش اسلام می‌باشد - مانند مقرراتی که مبنای آنها رعایت نفع عمومی است - را می‌توان مورد تأیید اسلام دانست؛ اما در مقابل، مواردی که ضوابط حقوق رقابت تنها بر اساس مبنای لیبرالیسم و سرمایه‌داری توجیه‌پذیر است - مانند رقابت آزادانه و نه عادلانه - پذیرش آنها از سوی اسلام کاملاً محل مناقشه و تردید می‌باشد؛ به عنوان نمونه در مباحثی که رقابت آزادانه صرفاً مدنظر قرار می‌گیرد و در راستای تحقق منافع اقتصادی بیشتر آشکارا بی‌عدالتی رخ می‌دهد، موضع اسلام تأیید نمی‌باشد.^(۱)

→

که بر اساس مصالح مسلمانان در مورد تثبیت قیمت و صنعت و محدود نمودن تجارت و غیره از اموری که مربوط به مصلحت جامعه و نظام اجتماعی است، اقدام نماید.»

۱. برای توضیحات بیشتر نک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، ص ۴۸، وکیلی‌مقدم، ۱۳۸۹: صص ۳۰-۴۰.

۵- تحلیل موضوع در نظام حقوقی ایران

به منظور بررسی مقرون به صواب موضوع در نظام حقوقی ایران، این مسئله را در دو قسمت مورد واکاوی قرار می‌دهیم. نخست، نظام حقوقی ایران را از حیث قوانین و مقررات موجود و سیر تحولات مربوط به آنها مورد بررسی قرار داده و در ادامه نیز، اهداف حقوق رقابت در نظام حقوقی ایران را اشاره خواهیم نمود.

۱-۵. قوانین مرتبط با حقوق رقابت

به طور کلی و در راستای سیاست‌های اقتصادی نظام مبنی بر برقراری اقتصاد سالم و گسترش قسط و عدالت اقتصادی^(۱)، تاکنون قوانین موضوعه متعددی در نظام حقوقی ایران به تصویب رسیده‌اند.

قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷^(۲)، قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹^(۳)، قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲^(۴)، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲^(۵)، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸^(۶) و قانون رفع

۱. بند ۶، ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی در خصوص رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و پی‌ریزی صحیح اقتصاد در جهت عدالت و نیز بند ۳ اصل چهارم و سوم قانون اساسی در خصوص مبارزه با انواع فعالیت‌های غیر کارآمد و غیر مشروع اقتصادی و همچنین اصل چهارم و هشتم قانون اساسی در مورد توزیع عادلانه امکانات و فعالیت‌های اقتصادی اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق رقابت می‌باشند و سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی را در این زمینه تبیین می‌نمایند.

۲. طی مواد ۲ تا ۱۸ قانون مزبور، گران فروشی، احتکار، کم فروشی و تقلب، عدم صدور فاکتور و بسیاری دیگر از رویه‌های ضد رقابتی چه از سوی بخش دولتی و چه خصوصی جرم شناخته شد و در مورد ارتکاب هر یک از آنها مجازات‌هایی تعیین شد و به عبارتی این قانون درصدد مهار رویه‌های ضد رقابتی برآمد.

۳. این قانون با جرم‌انگاری در خصوص اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور درصدد حمایت و سالم سازی نظام اقتصادی کشور برآمده است.

۴. این قانون در مورد آزادی ورود و خروج به بازار، ممنوعیت خودداری از ارائه کالا یا خدمت، ممنوعیت اجباری فروش کالا سخن رانده است.

۵. این قانون در حمایت از مصرف‌کنندگان، تشویق رقابت‌های مشروع و حمایت از اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی به وضع قواعدی پرداخته است.

۶. این قانون در خصوص رویه‌های ضد رقابتی چون تبانی و سازش، فروش اجباری کالا یا خدمت، ارائه کالای بدون استاندارد، عدم ارائه اطلاعات لازم و شفاف و تبلیغات خلاف واقع مطالب حائز اهمیتی را مورد اشاره قرار داده است.

موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۹۴/۲/۱ از جمله این قوانین می‌باشند. علاوه بر این موارد، موضوع رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی به طور مستقیم در قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مطرح گردید و فصل چهارم قانون مزبور تحت عنوان تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی به قوانین رقابتی اختصاص یافته است.^(۱) پس از اتمام اجرای برنامه سوم توسعه، قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۶ به تصویب رسید و فصل سوم این قانون نیز تحت عنوان «رقابت‌پذیری اقتصاد» با تأکید بیشتری به موضوع خصوصی‌سازی و لغو انحصارات و حمایت از رقابت سالم پرداخت. در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۵ - که بعد از تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به تصویب رسیده است - نیز در موارد مختلفی به تمهید و تسهیل شرایط سالم رقابتی پرداخته شده است.^(۲) در ادامه به توضیح قانون رقابت در نظام جمهوری اسلامی ایران و اهداف آن اشاره می‌گردد.

در عین حال هرچند قوانین خاص نظیر قانون تعزیرات حکومتی یا قوانین عام مانند قوانین برنامه توسعه در قبض و بسط، تعیین اندازه و نقش دولت و بازار در اقتصاد ایران اثرگذار بوده‌اند، اما دامنه این آثار نمی‌توانست فراتر از استقرار و آرایش کلی دولت و بازار در اصل ۴۴ قانون اساسی باشد. گسترش نقش دولت در بنگاهداری و ناکارآمدی آن از یک‌سو با ذیل اصل ۴۴ در تعارض قرار گرفته بود و از سوی دیگر، بافت و ساخت انحصاری صنایع و بازارها، همچنان نقش تنظیمی دولت را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۵۴) این موارد، از دغدغه‌های اصولی در تدوین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۸۴ و ۸۵ بود و به همین دلیل، سیاست‌های مزبور به منظور کنار گذاشتن بزرگترین مانع فعالیت‌های رقابتی، با تجویز فعالیت بخش خصوصی

۱. به موجب این قانون به دولت اجازه داده شد که انحصارات دولتی در زمینه خدمات پستی و مخابراتی، تولید و توزیع چای، حمل و نقل بار و مسافر به وسیله راه آهن، تولید، توزیع، واردات و صادرات دخانیات، پالایش، پخش و حمل و نقل مواد نفتی، انعقاد قرارداد با شرکت‌های بیمه خصوصی را با حفظ حاکمیت دولت لغو نماید و بخش خصوصی را در این امور مشارکت دهد. همچنین دولت موظف گردید ظرف مدت یک سال انحصارات قانونی اعطا شده را لغو کند و اقدامات قانونی لازم برای لغو انحصار و جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرایانه را انجام دهد.

۲. مواد ۲۸، ۷۴، ۱۱۴، ۱۲۵ و ۱۴۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه از جمله این موارد می‌باشند.

در صدر اصل ۴۴ و در نتیجه کاهش بار بنگاهداری دولت و توسعه بخش‌های غیردولتی و در مقابل، تقویت نقش نظارتی، هدایتی و تنظیمی دولت ابلاغ شد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ۵ بند تدوین گردید و مطابق بند (الف)، حوزه فعالیت دولت تشریح شد و دولت از هر گونه فعالیت در خارج از آن حوزه ممنوع شد. در بند (ب) بخش تعاونی و خصوصی در کنار دولت قرار گرفتند و بر اساس بند (ج) دولت موظف به خصوصی‌سازی گردید. در نهایت، در دو بند (د) و (ه) نیز سیاست‌های کلی واگذاری و سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار، ابلاغ و بر آن‌ها تاکید شد.

بدین ترتیب، با استناد به ماده ۳۵ قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه، مواد ۳۸، ۴۰ و ۴۱ بند «ه» از قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه و نیز بند ۳ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۸۴/۳/۱، دولت مکلف به جلوگیری از انحصارات و خصوصاً تدوین لایحه تسهیل رقابت و تنظیم انحصارات گشت.

در همین راستا و به منظور تحقق اهداف برنامه‌های دوم و سوم و چهارم توسعه (مخصوصاً برنامه چهارم)، با توجه به وظائف قانونی وزارت بازرگانی و همچنین مسئولیت وزارتخانه مذکور در تدوین لایحه اصلاح قانون تجارت، قانون تجارت الکترونیک، قانون نظام صنفی، لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کننده و...، هیئت وزیران لایحه قانون «تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات» را با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی به این وزارتخانه سپرد. وزارت بازرگانی با برگزاری همایش‌ها و بررسی تطبیقی قوانین سایر کشورها و نیز مدل قانون رقابت آنکتاد^(۱) (کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد) چارچوب لایحه مذکور را تنظیم نمود. در ادامه به این دلیل که ایجاد رقابت و برخورد با انحصارات اعم از دولتی و خصوصی از جمله پایه‌های اساسی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی محسوب می‌گردد، تصمیم به ادغام این لایحه با لایحه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گرفته شد و سرانجام پس از ادغام لایحه قانون رقابت در لایحه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۸۶/۷/۹ برای بررسی و عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان طی ایراد به تعدادی از مواد قانون، آن را جهت تصحیح به مجلس عودت داد و در نهایت به علت حل نشدن ایرادات، لایحه مزبور تحت

عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد و تصویب گردید. البته بر اساس ماده واحده «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۱، عنوان قانون مذکور به قانون «اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» اصلاح شد. قانون مزبور، شامل ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در ۱۰ فصل تدوین یافته که فصل نهم آن از ماده ۴۳ تا ۸۴ مربوط به تسهیل رقابت و منع انحصار می‌باشد. در مواد ۴۵ تا ۴۹ تعدادی از رویه‌های ضد رقابتی توضیح داده شده و از ماده ۵۳ تا ۸۴ در خصوص شورای رقابت، وظایف اعضا و اختیارات آن‌ها و برخی ضمانت‌های اجرایی انجام فعالیت‌های ضد رقابتی سخن به میان آمده و در ادامه نیز در خصوص مرجع تجدید نظر تصمیمات شورای رقابت، اعضاء و اختیارات مواردی بیان گردیده است.

جدول شماره سه: خلاصه فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

ماده	اهداف	مفاهیم
ماده ۴۳	دایره شمول فصل نهم قانون	در این ماده تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی مدنظر قرار می‌گیرد.
مواد ۴۴ تا ۵۲	تشریح رویه‌های ضد رقابتی «محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها»	در این موارد با ذکر مصادیق و عناوین، نوع اعمال و رویه‌های ضد رقابتی، انحصاری، تبعیض آمیز و مخل رقابت تعریف و به وظیفه شورای رقابت نسبت به ممنوعیت اجرای آن‌ها توسط بنگاه‌ها و اشخاص اشاره شده است.
مواد ۵۳ تا ۵۷	شورای رقابت و مرکز ملی رقابت	در موارد ذکر شده به ضرورت شکل‌گیری شورای رقابت، اهداف، ترکیب و نحوه انتخاب اعضاء، دوره تصدی و چگونگی رسیدگی به تخلفات آن‌ها و همچنین تشکیل مرکز ملی رقابت به عنوان بازوی کارشناسی این نهاد اشاره شده است.
مواد ۵۸ تا ۶۲	اختیارات شورای رقابت	این مواد به گستره اختیارات شورای رقابت و حیطه آزادی عمل آن در برخورد با مسائل ضد رقابتی می‌پردازد.
مواد ۶۳ تا ۷۱	شورای رقابت و هیئت تجدیدنظر	در این موارد به چگونگی ارتباط شورای رقابت با هیئت تجدیدنظر به عنوان نهاد ناظر بر تصمیمات شورا پرداخته شده است و همچنین برخی اختیارات شورا، تکالیف و محدودیت‌های وضع شده برای اعضای آن، هیئت تجدیدنظر و کارکنان مرکز ملی رقابت مورد بررسی قرار می‌گیرد.
مواد ۷۲ تا ۸۴	مقررات جزایی	در این مواد به انواع جرائم نقدی و کیفری ناشی از ارتکاب اعمال خلاف قوانین اشاره شده که جرمه و مقدار آن بر اساس نوع رفتار اشخاص (حقیقی یا حقوقی) توسط شورا تعیین می‌شود.

۲-۵. اهداف حقوق رقابت در نظام جمهوری اسلامی ایران

اگر چه در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به صراحت هدف از مقررات آن ذکر نشده، اما اهداف مزبور در سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و نیز در مواد مختلف قانون مزبور به خوبی قابل ردیابی است^(۱)؛ این رابطه می‌توان موارد ذیل را مورد اشاره قرار داد:

الف) بند (ج) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱۲ به صراحت بر افزایش رقابت‌پذیری به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های خصوصی‌سازی اشاره دارد.^(۲) این امر بیانگر آن است که در نظام اقتصادی ایران، به رقابت به دیده ارزشی مستقل نگریسته شده است. همچنین در بند الف ماده ۳۷^(۳) و دیگر مواد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف شده است که نظام‌های قانونی، حقوقی و اقتصادی مناسب را در جهت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید.

همچنین از منظر تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس، جلوگیری از اخلال در رقابت از ویژگی‌های اصلی آن بوده است. (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۲۵۰؛ معاونت برنامه ریزی، ۱۳۸۳: ۲۲۲) بنابراین، تردیدی نیست که منع رفتارهای ضد رقابتی و حذف و کنترل انحصارات از انگیزه‌های اصلی تدوین فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بوده است که از همین روی نیز فصل مزبور، «تسهیل رقابت و منع انحصار» نام‌گذاری شده و این مسئله بیان‌گر اهمیت ذاتی نفس رقابت است. همچنین، در مواد ۴۴ و

۱. برای آگاهی از نظری که منع اضرار به غیر، عدالت رویه‌ای، کارآیی اقتصادی و آزادی اقتصادی را در کنار یکدیگر به عنوان اهداف «سیاست رقابتی» ایران می‌داند؛ رک: رشوند بوکانی، ۱۳۸۸: ۲۳۰ به بعد.

۲. با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر ... جهت‌گیری خصوصی سازی در راستای افزایش کارآیی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند (۱) اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد.

۳. ماده ۳۷: دولت موظف است در جهت ایجاد فضا و بسترهای مناسب، برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار متوسط ... و رشد صادرات غیرنفتی ... و ارتقای سهم صادرات کالاهای فناوری پیشرفته در صادرات غیرنفتی ... اقدام‌های ذیل را به عمل آورد: الف: نظام‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید.

۴۵ این قانون که اعمال ضد رقابتی را برمی شمرد، معیار ممنوعیت این اعمال، اخلاقی دانسته شده است که در نتیجه آن‌ها بر رقابت وارد می‌شود. این معیار در بند ۲۰ ماده ۱ تعریف شده است^(۱)؛ انحصار، احتکار و تمرکز ثروت از مؤلفه‌های مهم احراز آن می‌باشند. بر این اساس، اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف مقررات فصل نهم این قانون حفظ رقابت و جلوگیری از اخلاقی یا کاهش آن می‌باشد. (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

ب- هر چند در فصل نهم قانون یاد شده به صراحت از کارایی و حمایت از منافع مصرف‌کنندگان سخنی به میان نیامده است، اما در مصوبات زمینه‌ساز وضع این مقررات به‌ویژه به کارایی اشاره شده است؛ بند (ج) سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، یکی از اهداف مهم واگذاری را ارتقاء کارایی اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فن‌آوری می‌داند و این هدف‌گذاری باید در تفسیر و اجرای مقررات نیز مدنظر قرار گیرد. در عین حال، در مقرره‌های فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به‌ویژه در مواد ۴۴ تا ۵۲ این قانون، رد پای کارایی و به تبع آن رفاه مصرف‌کنندگان در تعیین اعمال ضد رقابتی از غیر آن‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این، در بند ۲۰ ماده ۱ قانون مذکور که در آن اخلاقی در رقابت تعریف گشته است، «اضرار به عموم» و به بیان اقتصادی «رفاه مصرف‌کنندگان» و «کاهش مهارت و ابتکار در جامعه» یا همان «ناکارایی تولیدی و پویا» از ضابطه‌های مهم احراز آن مفهوم دانسته شده است.

البته لازم به ذکر است که در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌هایی از «اهداف غیر اقتصادی» در حقوق رقابت دیده می‌شود و بدین ترتیب نیز اهمیت آن‌ها برای نظام اقتصادی انکارناپذیر می‌نمایند. به عنوان مثال، بند ۳ ماده ۴۴، شق ۳ بند «الف»، بندهای «ب»، «د» و «ط» ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را می‌توان بر عدالت و انصاف نیز مبتنی دانست. همچنین، بندهای «د»، «و» و «ط» ماده ۴۵، مواد ۴۷، ۴۸ و ۵۰ قانون مزبور، هدف حمایت از بنگاه‌های کوچک و جلوگیری از تمرکز بازار را نیز در دستور کار خود دارند. یکی از اهداف بند ۲ ماده ۴۸ را نیز می‌توان

۱. بند ۲۰ ماده ۱: اخلاقی در رقابت: مواردی که موجب انحصار، احتکار، افساد در اقتصاد، اضرار به عموم، منتهی شدن به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص، کاهش مهارت و ابتکار در جامعه و یا سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور شود.

حمایت از اشتغال دانست. علاوه بر این، «تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص» و «سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور» از جمله ملاک‌های احراز اخلاف در رقابت، موضوع بند ۲۰ ماده ۱ این قانون، تعیین شده‌اند؛ این موضوعات از دغدغه‌های عدالت توزیعی حکایت دارند و از همین روی شکی نیست که در حقوق رقابت ایران اهداف غیراقتصادی نیز مدنظر می‌باشند. (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

در نهایت باید اظهار داشت که اهداف حقوق رقابت به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر نظام حقوقی بستگی دارند و ممکن است در نتیجه تغییر شرایط، این اهداف از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده یا ترتیب اولویت میان آن‌ها دست‌خوش تغییر شود. با این حال، به طور کلی «روح حقوق رقابت» ثابت بوده و هدف از آن «حفظ رقابت برای افزایش کارایی اقتصادی به سود مصرف‌کنندگان» می‌باشد. (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) با توجه به آنچه بیان آن گذشت، در نظام حقوقی ایران نیز هدف مزبور به عنوان «اصل» باید تلقی گردد و اهداف غیر اقتصادی باید صرفاً در مواردی که به آن‌ها تصریح شده و نیز به طور استثنایی و به هنگام مصلحت به کار گرفته شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی جهان، دخالت دولت در بازار جهت جلوگیری از انحصار اقتصادی و در عین حال نیل به رقابت اقتصادی امری طبیعی به حساب می‌آید و این مسئله از یک‌سو با ضعیف شدن نظریه‌های طرفدار دخالت کامل دولت و انحصار دولتی و از سوی دیگر با ضعیف شدن نظریاتی که به نفی کامل دخالت دولت در اقتصاد نظر داشته‌اند تحقق یافته است.

بدین ترتیب، بسیاری از نظام‌های حقوقی به تدوین ضوابطی مبادرت ورزیده‌اند که ضمن به‌کارگیری قدرت دولت جهت جلوگیری از منفعت‌طلبی بخش خصوصی، دولت را از اعمال بیش از حد انحصار باز داشته و در نتیجه هدایت جریان رقابت سالم در بازار را تحقق بخشد که چنین مقرراتی امروزه تحت عنوان قوانین «حقوق رقابت» یا ضد انحصار تصویب و نهاده شده‌اند.

حقوق رقابت به عنوان یکی از ضروریات و عوامل مؤثر در توفیق نظام‌های اقتصاد بازار آزاد یاد می‌شود و در صورتی که میان فعالان عرصه تولید و توزیع، رقابت سالم

وجود داشته باشد، کارآیی اقتصادی به بار آمده و رفاه عمومی افزایش می‌یابد. در واقع حقوق رقابت مجموعه‌ای از اصول و قواعد ناظر بر رفتار و ارتباط و توافقات میان بنگاه‌ها و بازار است که مانع انحراف ساختار بازار به سمت انحصار شده و سبب بهبود عملکرد بازار می‌گردد تا در نتیجه منجر به تخصیص کارآیی منابع و حداکثر نمودن رفاه اجتماعی گردد.

حقوق رقابت ریشه در مباحث اقتصادی دارد و هر نظام اقتصادی با توجه به مبانی فکری و ارزشی خود به این مسئله پرداخته است. این قبیل مقررات متناسب با تحولات آمریکا و اروپا از اواخر قرن نوزدهم به تدریج رواج یافته است و امروزه در بیش از نیمی از کشورهای قاره آفریقا، اکثر کشورهای قاره آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و تقریباً در تمامی کشورهای اروپایی حقوق رقابت در قالب قوانین رقابت به تصویب مجالس قانونگذاری رسیده است.

نظام حقوقی اسلام نیز چارچوب و اهداف کلی نظام معاملاتی را بیان کرده و به تبیین اصول و قواعدی در این خصوص پرداخته است. اسلام با خط بطلان کشیدن بر پاره‌ای از قراردادها، حفظ اموال، استحکام معاملات و ایجاد نظامی بر پایه عرف‌های موجود، عدم انباشت و تمرکز ثروت را مدنظر قرار داده و بر رقابت عادلانه تاکید می‌ورزد.

جمهوری اسلامی ایران نیز پس از سپری کردن سال‌های طولانی در زیر سایه انحصارات دولتی و بازار فاقد رقابت و بخش خصوصی ضعیف، بر آن شد که برای کنترل بازار و حفظ نظم و منافع عمومی با وضع سلسله‌ای از قواعد حقوقی و سیاست‌های اقتصادی از یک سو نقش خود در اقتصاد را کم کرده و از سوی دیگر نیز نبض اقتصاد کشور را از دست ندهد تا مبدا انحصار بخش خصوصی شکل گرفته و با اقدامات ضد رقابتی این بخش، کارآمدی اقتصاد کاهش یافته و یا رفاه عمومی مختل گردد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تاکنون قواعد متعددی در این زمینه به تصویب رسیده است و یکی از مهمترین قوانینی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده است، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد که در فصل نهم آن به طور خاص و منسجم به بحث «تسهیل رقابت و منع انحصار» پرداخته شده است و به نظر می‌رسد مقصود از وضع چنین قانونی، حفظ رقابت برای افزایش کارآیی اقتصادی به سود مصرف‌کنندگان می‌باشد.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱. باقری، محمود (۱۳۸۵)، «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۹، ۴۱-۸۸.
۲. _____ و فلاح‌زاده، علی محمد (۱۳۸۸)، «مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت (با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، ۶۳-۸۱.
۳. بادینی، حسن (۱۳۸۲)، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲، ۹۱-۱۳۵.
۴. حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۸۶)، «سیاست رقابتی و قانون رقابت»، نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۲، ۱۵-۲۰.
۵. _____ و شفيعی، افسانه (۱۳۸۶)، «تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران؛ تاملی در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴۳، ۲۵-۶۰.
۶. خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۸)، «دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۱۷، شماره ۵۱، ۲۵-۴۰.
۷. دادگر، یداله و رحمانی، تیمور (۱۳۸۴)، مبانی و اصول علم اقتصاد: کلیاتی از اقتصاد برای همه، ویرایش ۲، قم: بوستان کتاب قم.
۸. _____ (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۹. دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۴)، لایحه قانون رقابت: مبانی و تجربه کشورها، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۱۱. رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰)، حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. شکوهی، مجید (۱۳۸۱)، حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا، تهران: نشر میزان.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، جلد چهارم.

۱۴. صادقی مقدم، محمدصادق و غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۰)، «روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۳، ۱۱۳-۱۴۶.
۱۵. صالحی، حسین (۱۳۷۷)، «رقابت، انحصار و تمرکز در صنایع ایران: تحلیل و پیشنهادها»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، ۱۸۵-۲۲۹.
۱۶. صدر، سید محمد باقر (۱۳۴۹)، اقتصاد ما (بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام)، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، جلد دوم.
۱۷. علاءالدین، امیرعباس (۱۳۹۱)، حقوق رقابت (در آینه تحولات تقنینی)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۸. غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۳)، حقوق رقابت و ضمانت‌اجراهای مدنی آن، تهران: نشر میزان.
۱۹. قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶)، سیر اندیشه اقتصادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم.
۲۰. _____ (۱۳۷۹)، کلیات علم اقتصاد، مرکز نشر سپهر، تهران، چاپ هشتم.
۲۱. معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۳)، گزارش پشتیبان لایحه تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره ثبت: ۸۳/۴۷۳.
۲۲. معصومی‌نیا، علی (۱۳۸۳)، «بازار مطلوب، رقابت کامل»، اقتصاد اسلامی، سال چهارم، ۵۵-۸۰.
۲۳. منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه صلواتی، محمود و شکوری، ابو آل، قم: مؤسسه کیهان، چاپ اول، جلد ۳.
۲۴. نهاندیان، محمد (۱۳۸۰)، ارزیابی قدرت و حجم فعالیت‌های انحصاری در اقتصاد ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲۵. نوروزی، مشیت ا... (۱۳۸۴)، «نگاهی به حقوق رقابت در قوانین چند کشور»، مجله دانشکده علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۶۱، ۹۳-۱۲۲.
۲۶. وکیلی مقدم، محمدحسین (۱۳۸۹)، توافقات ضد رقابت تجاری، تهران: انتشارات کتاب همگان با همکاری نشر میزان.

ب - منابع انگلیسی

1. Chessler, David and Maryland, Bethesda (1996), determining when competition is Workable: a handbook for state commissions making assessments, the national regulatory research institute, and the Ohio state university.
2. Hoekman, Bernard and Holmes, Peter (1999), Competition policy in developing countries and WTO, Working paper, Washington D.C.
3. Rudolph, J. R. Peritz, (1996), Competition Policy in America: History, Rhetoric, Law, Oxford University Press, New York.
4. Torihiki Iinkai, Kōsei (1995), the Antimonopoly Act Guidelines Concerning the Activities of Trade Associations, Fair Trade Commission.
5. Monti, Giorgio (2007), EC Competition Law, Cambridge university press, UK.

ج - منابع عربی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، جلد پنجم.
۲. عاملی (شیخ حر عاملی)، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، جلد هیجدهم.
۳. موسوی خمینی، روح ... (۱۴۲۶ق)، تحریر الوسیلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام خمینی (ره)، الطبعة الثانية.

د - اسناد

۱. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۴/۳/۱ و ۸۵/۴/۱۲.
۲. قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳.
۳. قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹.
۴. قانون پنج ساله برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷.
۵. قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.
۶. قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۸.
۷. قانون پنج ساله برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۱۱.
۸. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸.
۹. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir